

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

اسنادی از کنگره های ششم، هفتم و هشتم کومه له

1_ گزارش سیاسی کمیته مرکزی کومه له به کنگره هشتم

2_ گفتوگویی درباره کنگره هفتم

3_ استراتژی ما در جنبش کردستان

جزوه حاضر دومین نوشته از سری اسنادی است که بخشی از مباحث جهت گیری و مصوبات کنگره های 6،7 و 8 کومه له را در فاصله سال های 1367 تا 1374 منعکس می کند. این جزوه شامل بخش های زیر است:

1) بخش هایی از گزارش سیاسی کمیته مرکزی کومه له به کنگره هشتم (تابستان 1374). کلیات این گزارش به تصویب کنگره رسیده است.

2) گفتگویی درباره کنگره هفتم (تابستان 1371). از سری مصاحبه هایی که در بولتن تدارک کنگره آمده است.

3) قطنامه استراتژی ما در جنبش کردستان. مصوب کنگره ششم (بهار 1367)

گزارش سیاسی به کنگره هشتم (تیر ماه 1374)

بخش دوم

احتمالات مختلف در

تحول اوضاع سیاسی آتی در ایران

... با توجه به آنچه که گفته شد احتمالات مختلف در تحول اوضاع سیاسی آتی در ایران را می توان چنین خلاصه و جمع بندی کرد:

1_ تداوم فشارهای سیاسی و اجتماعی در جامعه ناشی از نابسامانی اوضاع زندگی اکثریت مردم در ایران، ادامه فشارهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا و کشورهای غربی، از یک سو و تلاش برای بقا و حفظ قدرت سیاسی از سوی دیگر رژیم را ناچار کند که به تغییراتی تدریجی در زمینه های مختلف تن در دهد.

در زمینه اقتصادی:

_ انتقال بهر حال قطعی تر به اقتصاد بازار آزاد، ایجاد ثبات و امنیت حقوقی بیشتر برای سرمایه داران، جلب متخصصین و سرمایه های خارجی...

در زمینه برخورد با مردم:

- درجه ای تخفیف در فشارهای فرهنگی در زمینه هایی نظیر حجاب، ماهواره و ... نادیده گرفتن عملی پاره ای از قوانین اسلامی، جلب رضایت افشار مدرنیست و غیرسنت گرا.

- یکی از نتایج تبعی پیشرفت این پروسه شکل گیری پاره ای از نهادهای صنفی نظیر کانون نویسندگان و ... آزادی معینی در مطبوعات و آزاد شدن عملی فعالیت پاره ای از احزاب سیاسی که کارکردن در چهارچوب نظام اسلامی را بپذیرند و نظایر آن است.

این که ادامه پروسه فوق به کجا منتهی می شود دقیقاً قابل پیش بینی نیست اما به هر حال از ادامه حکومت هیات حاکمه فعلی در شکل جدید آن تا بر سر کار آمدن دولت های ضعیف و ناپایدار تا رشد جریان های انقلابی و کارگری تا شکل گیری دیکتاتوری های نظامی تا حتی از هم پاشیده شدن و یوگسلاویزه شدن ایران همگی از احتمالاتی هستند که می توانند در ادامه این پروسه صورت بگیرند.

2_ انقلاب و قیام توده ای

_ رشد گام به گام اعتراضات، اعتصاب عمومی، قیام و تعرض نهایی و از هم پاشیده شدن ارکان حکومت.

_ چنین حرکتی از پشتیبانی و تایید عملی کشورهای غربی برخوردار خواهد بود...

بخش سوم

رئوس وظایف و جهت گیری

های ما در کردستان

_ با توجه به آنچه که در مورد وضعیت سیاسی ایران قبلاً اشاره کردیم امکان سست شدن پایه های قدرت رژیم چه در نتیجه رشد بحران انقلابی و بر آمد توده ای و چه در نتیجه تغییرات از بالا و بروز شکاف در دستگاه رهبری بورژوازی، یک احتمال واقعی است. در چنین صورتی کومه له در کردستان با بهره گیری از ظرفیت های مبارزاتی و نفوذ سیاسی خود کار سازماندهی جنبش توده ای را به سرعت و در مقیاسی وسیع به پیش خواهد برد، نیروی مسلح خود را گسترش خواهد داد و دست به کار یکسره کردن کار رژیم در کردستان خواهد شد.

_ رشد جنبش اعتراضی توده ای و کارگری اهمیت اشکال علنی فعالیت را پیش برجسته خواهد ساخت. چهره های مبارز و سرشناس در میان مردم قدم جلو خواهند گذاشت و در غیاب حضور سیاسی فعال ما

روشن است که چنین روندی یک شبه شکل نخواهد گرفت و چنانچه به عنوان مثال آن را با انقلاب 1357 مقایسه کنیم بدیل های قدرت سیاسی آتی در دل رویدادهای این انقلاب به صحنه خواهند آمد. بدیل کارگری و سوسیالیستی؟ لیبرال مشروطه طلب؟ مذهبی نوع مجاهدینی؟ و ... (وجود شرایط انقلابی جامعه افق پیروزی کودتا را برای کودتاچیان احتمالی کور خواهد کرد).

3_ امکان بروز کودتا و یا نوعی تصفیه قهری درونی در هیات حاکمه

_ وقوع کودتا با شرکت و یا بدون شرکت سپاه پاسداران به دو وضعیت سیاسی و متفاوت منجر خواهد شد و در هر حال در صورت موفقیت آمیز بودن آن و در غیاب یک جنبش توده ای روبه رشد:

_ یک دوره دیکتاتوری نظامی اسلامی، (نظیر حکومت ضیا الحق در پاکستان) و غیر اسلامی (مشابه حکومت پینوشه در شیلی) برقرار می شود.

قدرت نمایی های اخیر سپاه پاسداران در قالب مانورهای تحت عنوان "عاشورا" با هدف تثبیت موقعیت سپاه به عنوان تکیه گاه نیرومند رژیم در جنگ قدرت داخلی و مرعوب کردن کسانی بود که چنین نقشه هایی را در سر می پروراندند.

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

_ مسئله مقاومت در برابر دولت مرکزی و حفظ دست آورها،

_ خنثی کردن تفرقه اندازی های ملی در داخل کردستان و نقاط مجاور،

_ در همه این موارد بایستی یک سیاست رادیکال از لحاظ طبقاتی در پیش گرفت و نه افراطی. سیاست افراطی سیاستی است که نه بر توازن قوای واقعی بلکه تنها در آرمان و اراده بنا شده باشد. با ایفای نقش یک حزب افراطی چپ که به طور قطع غیر کارگری هم خواهد بود نمی توان این جامعه را حتی یک قدم نیز به جلو برد. سیاست های انزواطلبانه را بایستی به گروه های مذهبی و شبه مذهبی واگذار کرد که عاشق فرمول های خود می شوند و دروغ های خود را از فرط تکرار باور می کنند، و در تمام عمر سیاسی خود تنها افتخارشان این است که "فرمول بندی های رادیکال ارائه داده اند." آنچه که به عنوان سنت مبارزه سیاسی کومه له در کردستان حرکت کمونیستی را به یک قطب واقعی در این جامعه تبدیل کرده است جوهر پراتیک دخالتگر و تحول بخش این حرکت بوده است. برای تبدیل کمونیستم به یک نیروی اجتماعی راهی جز این وجود ندارد.

با توجه به جهت گیری های اساسی فوق سیاست های عملی ما در قبال سناریوهای

در این صحنه گرایش راست و محافظه کار جامعه سکان این حرکت را به دست خواهد گرفت. ما قبلاً در این رابطه سخن بسیار گفته ایم. آنچه که در این جا لازم است مورد تاکید قرار بگیرد این است که ما بایستی قدم به قدم و آگاهانه به سمت ایجاد شاخه علنی و حتی قانونی فعالیت کومه له در کردستان حرکت کنیم.

سازمان های توده ای کارگری، تشکل های توده ای جوانان و زنان و هنرمندان و غیره، روزنامه ها و جراید رادیکال و مترقی علنی، همه اینها در شرایطی که هنوز فرجه برای حضور علنی و مستقیم حزب سیاسی چپ و کمونیستی موجود نیست می توانند ابزارهای موثر برای پیشبرد همان اهدافی باشند که حزب در برابر خود قرار داده است...

..... برای روزهای آستانه قیام عمومی و پیروزی بایستی نقشه های عملی و فکرشده ای داشت. در این باره نمی توان به کلی گوئی اکتفا کرد. مسایلی از این قبیل بایستی پاسخ بگیرند:

_ محاصره اقتصادی و فقر و فلاکت عمومی،

_ قدرت سیاسی محلی، پارلمان و شورا،

_ پلاتفرم روشن برای حل مسئله ملی،

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

تبلیغات فشرده ای را برای بالا بردن سطح توقعات مردم در زمینه های اقتصادی، رفاهی، آزادی های دموکراتیک، اخلاقیات پیشرو به پیش ببریم. پیشرفت این حرکت به: داشتن الگوهای کار علنی در همه زمینه ها، چهره های شناخته شده و امکانات مادی گره خورده است. در چنین دوره ای حفظ فشار نظامی بر رژیم مهم است اما نایبستی کاری کنیم که میلیتاریسم افسار گسیخته دشمن به حرکت در بیاید و امکان بهره برداری از شرایط را از بین ببرد. اعمال فشار نظامی ما بایستی تابعی از درجه پیشرفت ما در عرصه کار توده ای باشد. بدین ترتیب به تدریج جامعه کردستان به سمت یک برآمد انقلابی سوق داده می شود و این بار چه باید کردهای ما دیگر متفاوت خواهد بود.

انقلاب و قیام توده ای سراسری:

در چنین شرایطی در کردستان شور انقلابی اکثریت آحاد جامعه را در بر خواهد گرفت، نیروی مسلح پیشمرگ به سرعت افزایش می یابد، جنبش توده ای، کمیته های سازمانده قیام و نیروی مسلح پیشمرگ تعرض خود را به ارکان حاکمیت (پادگان ها، مقرات نیروهای انتظامی، مراکز دستگاه های امنیتی، مراکز رادیو و تلویزیون، زندانها و ...) آغاز می کنند و سرانجام کنترل اوضاع

مختلف و تحول اوضاع سیاسی در ایران بایستی بر خطوط زیر مبتنی باشد.

در صورت وقوع کودتا یا تصفیه های شدید در بالا، تغییرات اوضاع در پائین از هم اکنون چندان قابل پیش بینی نیست، اما واضح است که چنانچه رژیم "جدید" بتواند سریعاً کنترل خود را بر اوضاع برقرار کند در این صورت نمی توان انتظار چیزی بیش از ادامه وضع موجود در شکل جدید را داشته باشیم. اما در صورت شکل گیری سناریوهای دیگر مورد اشاره در کردستان با شرایط متفاوتی روبرو خواهیم بود:

در صورت بروز پروسه تغییرات تدریجی:

اگر معنای عملی رویدادهای چنین دوره ای نوعی عقب نشینی گام به گام است در این صورت ما هم بایستی بتوانیم گام به گام جای پای خود را باز کنیم.

در چنین شرایطی حزب کمونیست در هر حال ممنوع و مخفی و تبعیدی است. اما ما می توانیم با بهره برداری به موقع از شرایط به سازمان یابی نهادهای توده ای کمک کنیم (اتحادیه های کارگری، سازمان های زنان و جوانان و غیره)، روزنامه و نشریات علنی غیره حزبی چپ و رادیکال را تشویق و تقویت کنیم، در رادیکال نمودن فضای فرهنگی جامعه نقش موثر ایفا کنیم،

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

جای حاکمیت مردم به عنوان ثمره قیام
تحمیل کرد.

_ برقراری حقوق و آزادی های مدنی و
تضمین شده در همه زمینه های سیاسی و
اجتماعی، رفع کلیه تبعیضات ملی، جنسی
و ...

_ معمول داشتن مجموعه معینی از اقدامات
اقتصادی و رفاهی و ...

ترتیب کار علی القاعده به این شکل خواهد
بود که در موج اول تعرضی، با درهم
شکستن قدرت دولتی فراخوان تشکیل
شوراها را در کارگاه ها، کارخانه ها، مراکز
خدماتی، محلات شهرها و روستاها خواهیم
داد. در موج دوم به تحکیم سازمان ها و
نهادهای توده ای خواهیم پرداخت و قبل از
هر چیز با تشکیل و گسترش تشکل های
کارگری امکان دخالت مستقیم کارگران را به
مثابه یک طبقه در سیر رویدادهای بعدی
فراهم خواهیم ساخت. و در موج سوم
اقداماتی را که منجر به بهبود شرایط زندگی
توده های کارگر و زحمتکش خواهند شد
معمول خواهیم داشت. (اشکال اداره
جامعه، مبارزه با فلاکت و محاصره اقتصادی
و ...) فهرستی از پاره ای از اقدامات
سازمانی که در چنین شرایطی بایستی به
سرعت انجام گیرند:

به دست احزاب سیاسی و مردم مسلح
می افتد.

شکی نیست که معنی آزاد شدن در هر
حال بایستی بروز تغییرات چشمگیری در
ارکان زندگی مردم کارگر و زحمتکش باشد.
مردم بایستی بدانند که وقتی رژیم دوباره
مستقر شود چه چیزی را از دست خواهند
داد؟ مقاومت توده ای برای دفاع از دست
آوردهای جنبش انقلابی در صورتی شکل
خواهد گرفت که اکثریت مردم زحمتکش
خود را در موضع حاکم و صاحب اختیار جامعه
در شرایط جدید ببینند و احساس کنند که در
جهت تحقق عملی آن آرزوهایی حرکت می
کنند که به خاطر آنها مبارزه کرده و رنج برده
و قربانی داده اند. از این رو مستقل از این
که در شرایط مشخص توازن قوا و وضعیت
واقعی ما را به عنوان یک تشکیلات
کمونیستی در چه موقعیتی قرار می دهد
اصول کار ما بایستی در جهت های مشخص
زیر باشد:

_ تشکیل فوری شوراها در محلات و
شهرها، تشکیل شوراها کارگری در
کارخانه ها و مراکز کارگری، برقراری ساختار
سیاسی و اداری مبتنی بر حاکمیت مردم از
طریق این شوراها در همه سطوح. مردم به
طور واقعی بایستی سرنوشت خود را به

های اجتماعی واقعی به پیش خواهند رفت. برای مثال حزب دمکرات از جمله آن نیروهایی است که قدم به قدم بر سر راه پیشرفت این نقشه ها و کارشکنی خواهد کرد. این یک مبارزه طبقاتی واقعی و تمام عیار خواهد بود. از این رو همانطوری که بارها هم گفته ایم روش ها و ابزارهای آنهم بایستی به طور واقعی توده ای و طبقاتی باشند. نبایستی اجازه داد که این جدال اجتماعی به سطح کشمکش های احزاب، به اصطلاح به "نمایندگی از سوی طبقات" تنزل پیدا کند. حزب دمکرات قادر و چه بسا مایل است که این مبارزه سیاسی و طبقاتی را به ویژه به جنگ نیروهای پیشمرگ تبدیل کند.

باید از پیش، راه های جلوگیری از آن را آموخت. در روزهای اول بر سر کنترل مراکز مهم تشنج هایی بروز خواهد کرد، هدایت عملی و سیاسی این دوره برای اجتناب از درگیری های مسلحانه بسیار مهم است. در چنین مواردی به طور خلاصه "نه مفت خوری بکنیم و نه ساده لوحی به خرج بدهیم!"

برای نمونه، حزب دمکرات خواهد کوشید که ترکیب اداره کارگاه ها، کارخانه ها، مراکز و نهادهای دولتی بلا تغییر باقی بماند، ما شوراهای کارکنان این مراکز را بر پا خواهیم

_ صدور بیانیه های روشن در همه زمینه ها
_ نظیر اعلامیه حقوق مردم زحمتکش بیانیه حقوق زنان، قانون کار، بیانیه حقوق کودکان، پلاتفرم برای حل مسئله ملی و ...

_ انتشار یک نشریه روزانه کثیرالانتشار،
_ تاسیس رادیو و تلویزیون،

_ برپا کردن دفاتر علنی کومه له در همه جا،
_ تحکیم نیروی مسلح حرفه ای کومه له و مسلح کردن میلیشیا توده ای (هزنوع بحثی از انحلال نیروی مسلح حرفه ای تنها در چهارچوب خلع سلاح همه گروه های مسلح بورژوازی و غیر کارگری می تواند مطرح باشد).

_ تاسیس یک مرکز سخنگویی رسمی فعال با استفاده از ابزار روزنامه و رادیو و تلویزیون به طوری که به طور روزمره موضع سیاسی ما را در هیچ زمینه ای ناروشن باقی نگذارد.

بخش چهارم

کشمکش ها و موانع

ظرفیت ها و امکانات

بدیهی است که روندهای فوق نه به صورت ساده و خطی بلکه در متنی از کشمکش ها و جدال های سیاسی احزاب و گرایش

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

مردم زحمتکش به وجود آورد به چیزی جز تناسب واقعی قوای طبقاتی در کردستان نمی توان متکی بود، از این رو شعارها و سیاست های ما بایستی در هر مقطع با توجه به ارزیابی واقع بینانه از این مسئله طرح و به اجرا در آیند.

در روزها و ماه های اول حزب دمکرات نهاد پارلمانی اش را ندارد اما، ما شورها را داریم و چه بسا حزب دمکرات در وهله اول وجود این نهادها را به عنوان امر واقع بپذیرد و در تمکین به آنها حرکت کند. سندیکاهای و نهادهای دیگر کارگری را هم نبایستی در این دوره به هیچ بهانه ای رها کرد.

در رابطه با کشمکش ها و موانع هنوز دو نکته اساسی دیگر نیز وجود دارد:

اول: یک کردستان انقلابی و آزادشده بدون شک مورد کینه جویانه ترین دشمنی های بیرونی قرار خواهد گرفت. هر چقدر جنبه های ترقی خواهانه و رادیکال از حیات اجتماعی بیشتر در آن رشد کند و بیشتر به نقطه اتکا و امید مردم زحمتکش منطقه، تبدیل شود موجودیت آن برای بورژوازی منطقه تحمل ناپذیرتر خواهد بود.

از این رو شکمی نیست که بورژوازی حاکم در ایران اگر تا آن موقع هنوز بر سر پاه باشد، همکاری همپالگی های منطقه ای خود

کرد و خواهان کنار گذاشتن افراد منفور و همکاران نزدیک رژیم خواهیم شد این سیاست سطوح بالا را به طرف حزب دمکرات نزدیک رژیم خواهیم شد این سیاست سطوح بالا را به طرف حزب دمکرات می کشاند و سطوح پایین را به طرف ما کشمکش در خود این مراکز بالا خواهد گرفت و بگذار بالا بگیرد. سرانجام گفت و گو برای یافتن اشکال سازش های احتمالی، با توجه به توازن نیروها شروع خواهد شد و ..

حزب دمکرات بدون شک در برابر سیاست ها و اقدامات کومه له خواهد ایستاد و هر ذره پیشروی ما مستلزم خنثی کردن مقاومت کارشکنی و سنگ اندازی این حزب خواهد بود. اما این رودرویی ها بایستی تجسم زنده و واقعی مبارزه طبقاتی در جامعه باشند. تنها با متشکل کردن رادیکالیسم اجتماعی مبارزه طبقاتی در جامعه باشند. تنها با متشکل کردن رادیکالیسم اجتماعی موجود در کردستان (کارگران، زنان و جوانان) می توان به جنگ سنت جا افتاده حزب دمکرات و کارشکنی های عملی این حزب رفت. در این رابطه باز هم بایستی تاکید کرد که برای اینکه بتوان به اقدامات عملی رادیکال دست زد و تغییرات واقعی در زندگی توده کارگران و

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

آوردهای بیشتری به دست بیاورد. به جای اینکه از شور و شوق سیاسی بیفتاد و در مورد روند واقعی دچار توهم شود، ارزش استفاده از هر لحظه آن را برای کسب آمادگی بیشتر در کشمکش های بعدی دریابد.

در چنین شرایطی است که حزب کمونیست ایران بایستی به طور جدی در تدرک شکل دادن به یک قطب رادیکال چپ در جامعه ایران باشد. جنبش طبقاتی و انقلاب سراسری در ایران تنها ضامن پایدارماندن دست آوردهای جنبش توده ای در کردستان خواهد بود. در غیاب وجود چنین حرکتی کارگران و جنبش حق طلبانه اشان در کردستان نیز یا به رکود کشیده می شود و یا به نردبان قدرت رسیدن جناحی دیگر از بورژوازی تبدیل خواهند شد.

در کنار همه آنچه که تا کنون به آن اشاره کردیم یک واقعیت مهم دیگری نیز وجود دارد که لازم است یکبار دیگر مورد تاکید قرار بگیرد و آن ظرفیت ها و امکانات ماست. در روزهای قیام و اوجگیری جنبش توده ای ما در واقع از صفر شروع نمی کنیم بلکه تجربه و دست آورد یک دوره طولانی از مبارزه مثبت و رو به پیش را پشت سر داریم.

یک ارزیابی عینی از موقعیت فعلی از آن رو ضروری است که تحت تاثیر عقب نشینی

لشکر کش خود را از نو آغاز خواهد کرد. در این شکی نیست که ما خواهیم کوشید که مقاومت مردم در حفاظت از دست آوردهایشان را سازمان دهیم، اما واضح است که وعده تکرار سناریوی 16 سال گذشته برای مردم نمی تواند خوشایند باشد. پس باید طبقه کارگر و انقلاب سراسری کارگران ایران به نجات کردستان آزاد شده بشتابد و این آن امیدی است که هم بایستی برایش از هم اکنون مبارزه کرد و هم به عنوان یک افق رهایی در برابر مردم کردستان قرار داد. با همه این ها اگر چنین رویدادی هم اتفاق نیفتاد در این صورت طبقه کارگر در کردستان طی همین مدت بایستی آنچنان تجربه ای از خود به یادگار بگذارد که ارزش آن را داشته باشد تا یک بار دیگر برای به دست آوردن آن از نو بجنگد. از قبیل اینکه متشکل تر شود، همبستگی طبقاتی اش بیشتر شود، سنت های پیشرو و متعالی را در زندگی اجتماعی جا بیندازد و غیره و غیره.

دوم: به هر حال صحبت از بنا کردن ساختار سیاسی جاافتاده و پایدار مبتنی بر آزادی و رفاه در کردستان ایزوله شده، یک خوش خیالی است از این رو طبقه کارگر در کردستان بایستی خصلت گذرا و انتقالی این وضعیت را به خوبی بشناسد تا بتواند دست

_ با رواج فرهنگ سیاسی رادیکال و کمونیستی افراطی گری های ارتجاعی و مذهبی و سنتی را در مقیاسی اجتماعی در کردستان مهار کرده ایم (به عنوان مثال در برخورد به زنان، یا در زمینه تفرقه اندازی های ملی و ... معیارهای کاملاً جا افتاده است.)

_ تعادل قوایی را در سطح جامعه به وجود آورده ایم که در نتیجه آن در دوره های انتقال و گذار بسیاری از آزادی های دمکراتیک در کردستان به بورژوازی و احزاب سیاسی وی تحمیل خواهد شد و پیشروی های بعدی نیز از همین جا آغاز می شود.

_ فعالیت کومه له در کردستان به عنوان بخشی از حزب کمونیست ایران به طور نسبی به پشتوانه کسب اعتبار سیاسی برای جریان ما در سطح سراسری ایران تبدیل شده است...

بخش پنجم

کار در شهرها و فعالیت های

تکش

این واقعیت برای همه آشکار است که ابعاد کار تشکیلاتی و سازمانی ما در شهرها هیچگونه تناسبی با موقعیت سیاسی، نفوذ

های نظامی و محدودیت هایی که امروز تشکیلات علنی ما با آن روبرو است، ارزش کومه له را برای آینده جامعه کردستان دست کم نگیریم. به وظایف و مسئولیت های خود در مقابل کارگران و کل جامعه واقف باشیم.

در مورد توازن قوای واقعی ای که کومه له با فعالیت تاکنونی خود در جامعه کردستان ایجاد کرده است می توان از جمله به نکات عینی و غیر قابل انکار زیر اشاره کرد.

_ ما با فعالیت تاکنونی خود و با تداوم آن یک بدیل سیاسی چپ و کمونیستی را برای جامعه کردستان حفظ کرده ایم. (برای مثال می توان کردستان ایران را در آستانه قیام و تحول سیاسی آتی با کردستان عراق در دوره اخیر مقایسه کرد).

_ امید به رهایی آرزوها و آرمان های برابری طلبانه و عدالت خوا خواهانه را در دل بخش وسیعی از کارگران و مردم زحمتکش جامعه کردستان زنده نگه داشته ایم. مطالبات کارگری را از لابلای جار و جنجال های ملی بیرون کشیده ایم. امروز در کردستان کسی نمی تواند موجودیت و مبارزه طبقه کارگر را انکار کند، که سهل است امروز احزاب ناسیونالیست اپوزیسیون در ابزار وفادرای ریاکارانه به وی سر و دست می شکنند.

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

_ لشکر کشی رژیم به کردستان و شکل گیری مقاومت مسلحانه در برابر سرکوبگری دولت مرکزی بیشتر رهبران توانا و شناخته شده کارگری را از محیط کار و زیست دور ساخت و به عرصه مقاومت و مبارزه مسلحانه سوق داد.

_ تسلط رژیم بر شهرها و بگير و بیندها و خفقان سیاسی را بایستی به مجموعه عوامل فوق اضافه کرد.

اما در مورد علل محدودیت ها و عدم انسجام تشکیلات حزبی فعلی ما در محل کار و زیست در دوره های مختلف، می توان به نکات اساسی زیر اشاره کرد:

_ گسترش تشکیلاتی آسیب پذیر از هواداران کومه له اساساً در محیط های غیر کارگری و در نتیجه وارد آوردن ضربه های پی در پی پلیسی، جنگ روانی رژیم بر عیله کومه له از طریق بر پا کردن نمایشات تلویزیونی و درست کردن ستاد نادمین و غیره.

_ وجود احساس عدم امنیت از ارتباط گیری تشکیلاتی در میان مبارزین کارگری و فعالان سیاسی ناشی از وضعیت فوق.

_ در اولویت قراگرفتن کار نظامی و فعالیت های تشکیلاتی علنی برای کمیته مرکزی کومه له.

اجتماعی و امکانات بالقوه کومه له در کردستان ندارد. یک بررسی انتقادی گذشته نشان می دهد که با در نظر گرفتن همه مشکلات واقعی هم که وجود دارند، قرار بگیریم، اینکه امروز در کردستان ایران تشکل های گسترده توده ای کارگری وجود ندارند قابل درک است، اما اینکه سازمان حزبی مخفی محل کار و زیست نیز ضعیف و نامنسجم است دیگر چندان طبیعی نیست. در مورد نخست، نکات واقعی زیر دلایل رکود موجود را توضیح می دهند:

_ عدم وجود تشکل های مستقل کارگری در مقیاس سراسری. در شرایطی که تناسب قوای سیاسی و طبقاتی بین بورژوازی و رژیم جمهوری اسلامی و طبقه کارگر مجال شکل گیری این تشکل ها را در مقیاس ایران و به ویژه در مراکز بزرگ کارگری فراهم نکرده است نمی توان انتظار داشت که طبقه کارگر در کردستان به تنهایی وجود این تشکل ها را به صورتی ادامه کار به رژیم تحمیل کند. از این رو این مسئله قبل از آن که کردستانی باشد ایرانی است.

_ طبقه کارگر در کردستان در واحدهای تولیدی و مراکز کوچک کارگری پراکنده است و فاقد تجربه و سنت های جا افتاده کار متشکل و فعالیت سندیکایی است.

..... _

محور اصلی فعالیت های کومه له را تشکیل می دهد. از بازسازی و تحکیم یک تشکیلات حزبی ادامه کار در محیط های کار و زیست زحمتکشان غفلت می شود. کار نیروی پیشمرگ قرار می گیرد. رساندن اطلاعات از تحرکات نظامی دشمن به واحدهای پیشمرگ، فراهم کردن تسهیلات و امکانات برای عملیات های نظامی در داخل شهرها، انجام ماموریت های تدارکاتی و غیره. فعالان این دوره هم پس از به پایان رساندن به اصطلاح عمر مفید خود در این کارها، علنی شده و به واحدهای پیشمرگ می پیوستند.

3_ سال های 1365 تا 1370 ، عقب نشینی از مناطق آزاد به نیروهای پیشمرگ تحمیل می شود و مبارزه نظامی شکل کلاسیک تر و متحرک پارتیزانی به خود می گیرد. در این دوره بحث های کارگری در همه عرصه های فعالیت حزبی به جریان می افتد و همه جا از "ضرورت تبدیل کردن حزب به ابزار طبقه کارگر در مبارزه هر روزه اش با بورژوازی" صحبت می شود. بحث های بعضاً مفیدی در این زمینه ها انجام می گیرد و ادبیات حزبی رنگ و معیشت مردم، بیزاری رو به افزایش از شعار "جنگ، جنگ تا ... رژیم و شکست های نظامی در جبهه ها و رشد حرکت های اعتراضی کارگری در سطح سراسری، جنبش کارگری در کردستان نیز تکان جدیدی

در یک بررسی دقیق تر مسئله از لحاظ کمبودها و نقاط ضعف می توان دوره های زیر را در فعالیت های تشکیلات مخفی کومه له مشخص کرد:

1_ سال های 1358 تا 1361، در این دوره کار ما عملاً معطوف به سازماندهی "هواداران"، جوانان و دانش آموزان کردستان _ بود. در نتیجه این سیاست عملی تشکیلات گسترده ای اساساً در محیط های غیر کارگری درست شد.

با وجود این کار ما در این زمینه نیز ایرادهای خاص خود را داشت، از جمله اینکه خصلت گذرا و موقتی این دوران دست کم گرفته می شد و انضباط و پنهان کاری بسیار کم رنگ شده بود. ذوق زدگی و تمایل به علنی شدن _ که معمولاً در چنین دوره هایی بسیار شدت می گیرد _ جمع شدن دور و بر مقرات کومه له، وسیعاً رواج یافته بود. با برقراری مجدد تسلط رژیم بر شهرهای کردستان این تشکیلات که در این سال ها بیشتر فعالان آن عملاً علنی و شناخته شده بودند، در مقابل تهاجم پلیسی دوام نیاورد و به تدریج تقریباً از هم پاشیده شد.

2_ سال های 1361 تا 1364، در این دوره مقاومت مسلحانه و دفاع از مناطق آزاد

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

4_ از دوره بعد از جدایی ها تاکنون، این دوره برای ما دوره بازسازی و بنیان گذاری کار کاملاً جدیدی بوده است. اما متأسفانه آنچه که در این دوره بیش از هر چیز از آن رنج برده ایم عدم وجود یک مرکزیت و ارگان دائمی، ادامه کار و منسجمی بوده است که این عرصه از کار را هدایت کند. کمیته مرکزی کومه له در بیشتر طول مدت این دوره نتوانسته است بیش از یک نفر از اعضا خود را به طور تمام وقت برای این کار مامور کند. رفقای که هر از گاهی در این عرصه کار کرده اند، اولاً خود فاقد تجربه جا افتاده ای در زمینه فعالیت های تشکیلات مخفی بوده اند ثانیاً تعویض پی در پی آنها مانع از جا افتادن روش ها و سیاستهای معینی در این مورد بوده است. فعالانی که در این سال ها از شهرهای کردستان به ما مراجعه کرده اند غالباً از این مسئله شکایت داشته اند.

با وجود این دور شدن از روش های جنجالی، نمایشی و مالیخولیایی دوره قبل نتایج نسبتاً ملموسی به بار آورده است. در دو سه سال گذشته روی آوری و تمایل به کار تشکیلاتی با کومه له به نحو چشمگیری در مقایسه با سال های قبل افزایش یافته است.

به خود می دهد و چندین اعتصاب گسترده کارگری در کوره های آجرپزی اتفاق می افتد. در همین دوره برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه در شهر سنندج به رژیم تحمیل می شود. اما این مباحث در ادامه خود به جای آن که موجب تحولی در تشکیلات محیط کار و زیست گردد به صورت در خود در چهار چوب تشکیلات علنی در می آید و نهایتاً به ابزار کشمکش های درون تشکیلاتی در اردوگاه های کومه له تبدیل می شوند. لفاظی های به اصطلاح کارگری جای کار متین و واقعی را می گیرد. بدین ترتیب، جنبش کارگری و حرکتی که در شهر ها و محیط های کارگری آغاز شده بود نه تنها در نتیجه مباحث درونی ما تقویت نمی شود بلکه عملاً در اثر جنجال سازی ها و تبلیغات غیر مسئولانه ضربه می خورد و به رکود کشیده می شود. در زمینه کار تشکیلات مخفی در این دوره بحث های کشار به اصطلاح سبک کاری نه تنها راه فعالان کارگری کومه له را روشن نمی کند بلکه به سردرگمی های بیشتری دامن می زند و ایرادهایی که در کار آنها به وجود می آید به "بدفهمی" های آنها از بحث های "ما" نسبت داده می شود (نمونه اتحادیه صنعت گر در شهر سنندج و نیز نحوه تبلیغ پیرامون مراسم اول ماه مه بسیار گویا است.)

چه باید کرد؟

... در این شکی نیست که ما با سازماندهی یک تشکیلات مخفی در محل کار و زیست کارگران و مردم زحمتکش احتیاج داریم. راجع به اهمیت و کارکرد وجود چنین تشکیلاتی هیچ بحثی نیست اما علاوه بر این ما می خواهیم که:

_ نه فقط تشکیلاتی مخفی، کاراً و منسجم داشته باشیم بلکه در عین حال آگاهانه در سرنوشت هر حرکت و اعتراض کارگری و توده ای برای بهبود شرایط زندگی و کسب مطالبات مشخص نیز دخیل باشیم.

_ و مستقل از این که ابعاد تشکیلاتی سازمان مخفی ما چه اندازه است بایستی حزب با نفوذ و مورد اعتمادی در میان کارگران و مردم زحمتکش باشیم و روشن است که بخشی از این وظیفه را با کار مستقیم در شهرها بایستی انجام داد.

واضح است که سه هدف تعیین شده فوق در عین استقلال نسبی، ارتباط نزدیک و تنگاتنگی نیز با همدیگر دارند. در مورد هر کدام مختصراً توضیح می دهیم:

1_ سازماندهی و ساختمان یک تشکیلات حزبی را می توان یا از بالا با تشکیل کمیته محلی در سطح شهرها آغاز کرد و یا از تشکیل حوزه های محل کار و زیست شروع

کرد و به کمیته شهرها و بالاتر رسید. در هر صورت اگر چه کل این تشکیلات به وسیله شبکه هایی از محافل و دوستداران و نزدیکان به حزب احاطه می شود اما در هر حال کاملاً مخفی است و میزان وسعت و کمیت آن تابع شرایط سیاسی جامعه است. چنین کاری البته هم اکنون در جریان است. نکات اصلی مورد تاکید در این باره عبارتند از:

_ لزوم تمرکز اصلی بر روی ایجاد تشکیلات حزبی در میان کارگران و نه تشکیلات دانش آموزی، هواداران و...

_ حوزه های اولیه حزبی را در هر جا که امکان تشکیل آنها وجود دارد به سرعت تشکیل دهیم اما سیاست گسترش آنها را به زمان مساعد دیگری موکول کنیم.

_ عضوگیری را تشویق و تسهیل کنیم.

_ تحکیم حوزه را در اولویت قرار دهیم. سوق دادن آنها به سوی شرکت در آکسیون ها فعلاً مطرح نیست. در حوزه تحکیم یافته و جاافتاده می توان از شرکت در آکسیون هم صحبت کرد. این خلا را در کر حزبی باید به شیوه های دیگری پر کنیم.

_ افراد سرشناس رادیکال و مبارز جامعه را از نزدیک بشناسیم و با آنها ارتباط ویژه برقرار کنیم.

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

مورد پشتیبانی قرار گیرند، کارشان تسهیل شود.

با تشدید بحران در ایران و افزایش تنگناهای زندگی مردم زحمتکش و کم درآمد حرکت های اعتراضی در کردستان نیز بالا خواهند گرفت و اشکال تاثیر گذاری و دخالت ما در این حرکت ها بایستی از پیش روشن باشد. از آنجا که در حال حاضر فاقد تشکیلات منسجم و حوزه های با تجربه و جاافتاده ای هستیم نمی توان از اشکال دخالت مستقیم و هدایت شده سازمانی در رهبری این حرکت ها صحبت کرد. اما تبلیغات عمومی ما و نیز جهتی که به فعالان حزبی خواهیم داد می توان در تقویت و به پیش بردن این حرکت ها بسیار موثر باشد.

در مورد تبلیغات از آنجا که بایستی بیشتر مواظب جنبه های منفی تاثیرات کار نسنجیده و فکر نشده بود در هر حال بایستی به فعالان محلی هشدار داد که در شرایط کنونی که فاقد آن حداقل انسجام سازمانی در تشکیلات مخفی هستیم اساس و اولویت ما تحکیم کار حزبی است. از این رو شرکت در آکسیون های علنی نبایستی به صورتی خود به خودی و دنباله روانه صورت بگیرد بلکه لازم است که چنین کاری با فراخوان و تائید ارگان های بالاتر و در ادامه یک سیاست عمومی و برنامه ریزی

در تبلیغات علنی پیرامون تشکیلات مخفی و ظرفیت ها و کارآیی های آن جنجال نکنیم.

در گام نخست وظایف پیچیده و متنوع در دستور کار حوزه ها قرار ندهیم. تشکیل جلسات حوزه مطلع نگه داشتن مداوم حزب از مسایل زندگی اجتماعی و سیاسی پیرامون خود، جذب افراد جدید به حزب طرح دوستی و همکاری ریختن با افراد کارآمد و محبوب در میان مردم، چند قلم کار اساسی از این نوع کافی است.

نباید فعالان حوزه ها را به رهنمودهای جزئی از بالا وابسته نمود. هر حوزه بر مبنای هویت کمونیستی خود و با درس گیری از آموزش های عمومی ما از طریق نشریات و رادیو و بعضاً و به طور محدود در تماس های حضوری، کار می کند و سعی می کند که با تکش در ارتباط باشد.

کمیته تکش بایستی به وسیله رفقای با تجربه در این عرصه بیشتر تقویت شود و فونکسیون های مختلف این تشکیلات که به دلیل نبودن پرسنل متخصص عملاً تعطیل شده اند دوباره احیا گردند.

2_ در مورد آکسیون های توده ای و کارگری باید گفت که این آکسیون ها در بیشتر موارد به طبیعی راه می افتند، رهبران محلی خود را دارند. این رهبران بایستی تقویت شوند و

توزیع اعلامیه ها و تراکت های تبلیغی و تهیجی در مقیاس وسیع، در شرایط مشخص و ... برای همه این ها هم بایستی در تدراک امکان سازی و اقدامات ویژه ای بود که در عین حال به استخوان بندی تشکیلات مخفی ما آسیب نرساند. در سطحی دیگر و به عنوان یک تجربه باید گفت که فعالیت های پیشمرگانه به ناچار به نوعی سازماندهی کار مخفی برای پیشبرد امور خودنیاز پیدا خواهد کرد. (تدارکات، اطلاعات، امنیت و ...) این رشته از کار را نیز بایستی به درجه زیادی مستقل از شبکه حزبی در محل کار و زیست که وظایف کلاسیک و تعریف شده ای بر عهده دارد، به پیش برد.

درباره تشکیلات توده ای کارگری

در مورد تشکیلات های توده ای باید گفت که در شرایط فعلی ایران این تشکلات در صورتی در مقیاس توده ای پا به عرصه وجود می گذارند که:

1_ بندهای دیکتاتوری رژیم شل شده و فضای سیاسی جامعه به درجه ای باز شده باشد. (سیستم های حکومتی نظیر پاکستان، تریکه و ...)

شده از طرف ارگان های رهبری صورت بگیرد. اما در هر حال در زمینه آکسیون های اعتراضی این دوره دو نکته اساسی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار بگیرد: اول اینکه در هر حرکتی بایستی تلاش کنیم پیروزی ولو بسیار کوچک و محدودی تثبیت شود و دوم، هر حرکتی، توده معترضی را یک گام به متشکل شدن در شکلی از اشکال سازمان یابی توده ای نزدیک کند.

3_ در مورد ضرورت تبدیل شدن به یک حزب بانفوذ اجتماعی هم قبل از هر چیز باید گفت که چنین موقعیتی برای ما تنها در ادامه کار تشکیلاتی در شهرها پیدا نمی شود. حضور فعال و موثر در لحظات سیاسی تعیین کننده ولو کوتاه مدت می تواند یک تشکیلات سیاسی را چنان در اعماق یک جامعه مستقر کند که با ده ها سال کار و تشکیلاتی در شرایط عادی هرگز چنین موقعیتی به دست نخواهد آمد (مثال ها و شرح و بسط بیشتر) با همه اینها تا آنجا که به این بحث مربوط می شود بایستی وظایف عمومی رهبری کومه له را در این زمینه از کار روتین و مشخص فعالان تشکیلات مخفی تا حدود زیادی تفکیک کرد. (خطابیه های سیاسی عمومی و دعوت مردم به یک حرکت معین، همکاری با احزاب دیگر در زمینه برپا کردن آکسیون های سراسری،

در مورد شوراهای کارگری:

شوراهای کارگری به مثابه ارگان های مبارزه و حاکمیت طبقه کارگر بایستی کماکان مورد تبلیغ قرار بگیرند، اما در عین حال این واقعیت را بایستی تاکید کرد که تشکیل عملی این شوراها به تناسب قوای مساعد تری بین کارگران و بورژوازی حاکم نسبت به آنچه که اکنون وجود دارد نیازمند است. چنانچه جنبش توده ای و کارگری در ادامه خود توازن فعلی را به نفع کارگران و توده معترض برهم بزند در این صورت تشکیل این شوراها به سیاست مرجع ما تبدیل خواهد شد...

بخش ششم

مسئله ملی و جنبه های

مختلف پاسخ ما به آن

کومه له در قبال مسئله ملی و مبارزه برای رفع ستم ملی در کردستان درارای موضوع و عملکرد روشنی است با وجود این، کنگره هشتم فرصت مناسبی برای جمع بندی مجدد این مسئله در شرایط سیاسی کنونی ایران و منطقه است.

در کنگره ششم کومه له در سال 1367 گفتیم که:

2_ سطح مبارزه اعتراضی کارگران به آنها نشان داده باشد که جلوتر رفتن بدون داشتن شکل کارگری مقدور نیست. کارگران در تجربه عملی خود دریابند که برای کسب نتیجه از مبارزه ای که به آن دست زده اند به وجود این شکل ها احتیاج دارند.

3_ دورنمای پیروزی بر رژیم حاکم برای توده های کارگر و زحمتکش پیدا شده باشد.

اما بدیهی که تا آن هنگام نبایستی دست روی دست بگذاریم بلکه در تبلیغات خود و در فعالیت های تشکیلاتی مان بایستی سیاست روشنی را در این زمینه تعقیب کنیم. رئیس این سیاست عملی به قرار زیر است:

_ اهمیت اتحادیه ها در بالابردن درجه همبستگی کارگری و غلبه بر پراکندگی موجود مورد تبلیغ قرار گیرد و برای برداشتن قدم های اولیه در این مورد با فعالان حزبی و چهرهای سرشناس کارگری و رادیکال به فعال شدن در زمینه استفاده از فرصت هایی که وجود دارند و یا به وجود خواهند آمد برای ایجاد تشکیلات های علنی و غیرحزبی، فعال کردن عناصر حزبی در کاستن از مشکلات و موانعی که بر سر راه این فعالیت ها به وجود خواهد آمد و جا انداختن فرهنگ اینگونه فعالیت ها در جامعه، است.

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

های دمکراتیک حاکمیت محلی، لغو زبان رسمی اجباری و ... هستیم و برای تامین این حقوق پیگیرانه مبارزه می کنیم.

2_ دفاع از حق تعیین سرنوشت به معنای حق جدایی و تشکیل دولت مستقل.

از نظر ما معنای مشخص استفاده از این حق عبارت از:

به دست آوردن فرصت آزادانه و دمکراتیکی است که در آن مردم ساکن استان های کردنشین غرب ایران برای مثال بتوانند در یک فراندوم آزاد در مورد جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل و یا ماندن در چهارچوب ایران تصمیم بگیرند.

به منظور تضمین عملی آزادی تصمیم گیری مردم کردستان، قبلاً بایستی نیروهای ارتش، سپاه پاسداران، بسیج و دستگاه های امنیتی رژیم در کردستان منحل شده باشند و دولت مرکزی از هرگونه تهدید و اعمال فشار نظامی و اقتصادی برای اخلاص در این پروسه دست بردارد و چنان تضمین های عملی داده شود که باز پس گیری دست آوردهای این آزادی غیر ممکن سازد.

3_ همبستگی سراسری

پیشروی طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی در ایران بدون یک همبستگی نیرومند طبقاتی در سراسر ایران ممکن

"... موضع ما در قبال مسئله ملی در کردستان از یک سو موضعی دمکراتیک و رهاییبخش و آزادی خواهانه است و بدین معنی ما خواهان تامین حق تعیین سرنوشت برای مردم کردستان هستیم و از سویی دیگر رزمنده و دخالت گر است، یعنی ما در هر مبارزه انقلابی برای مطالبات حق طلبانه و دمکراتیک که در آن هم باری از دوش ستمدیدگان و محرومان جامعه برداشته شود و هم محیط مساعدتری برای پیشروی های بعدی کارگران به وجود بیاید، شرکت می کنیم. بنابراین با توجه به دورکن اساسی فوق، ما برای پیروزی مبارزه مردم کردستان برای رفع ستم ملی نقشه می ریزیم و برای تامین رهبری کارگری بر آن، تلاش می کنیم..."

امروز در توضیح بیشتر پیرامون همین موضع اصولی یکبار دیگر محورهای اصلی سیاست خود را در قبال مسئله ملی در کردستان بیان می کنیم:

1_ مبارزه قاطعانه با ستم ملی و همه مظاهر و آثار آن

ما خواهان برابری کامل حقوق ملت ها، ملغا کردن کلیه تبعیض های قانونی و عملی بر اساس ملیت، پایان دادن به دخالت های بروکراتیک دولت مرکزی در شئون زندگی مردم و فراهم کردن امکان شکل گیری ارگان

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

اگر چه این برنامه در شکل فعلی آن مصوب کنگره های سوم و چهارم کومه له در سالهای 1361 و 1362 است اما پیشینه ارائه برنامه برای خود مختاری بر می گردد. مصوبات بعدی تنها اصلاحات و در افزوده هایی بر همان خطوط اساسی بودند که در آن دوره از جانب کومه له انتشار یافته بود.

در این دوره مبارزه سیاسی برای کسب حق تعیین سرنوشت حول خواست خودمختاری در مقیاسی وسیع و توده ای در جریان بود. شکل این مبارزه در درجه اول به صورت میتینگ های توده ای، تظاهرات خیابانی، اعتصاب عمومی بود و با لشکرکشی رژیم به کردستان به صورت مقاومت مسلحانه توده ای نیز بروز نمود. اما با گذشت زمان و فروکش کردن تدریجی ابعاد اعتراضی و مبارزه توده ای مقاومت مسلحانه هم به کار نظامی و استراتژی های احزاب مسلح تبدیل شد که از جانب توده ها حمایت می شد.

امروز صرف نظر از هر ایرادی که به شکل و یا این یا آن فرمول بندی این سند داشته باشیم واقعیت این است این برنامه در آن تاریخ بدیل سیاسی کمونیست ها در جنبش توده ای گسترده ای بود که علیه ستم ملی برپا شده بود و خودمختاری در راس مطالبات آن قرار داشت طبقه کارگر

نیست. طبقه کارگر متحد و یکپارچه توانایی و قدرت بیشتری برای کسب اهداف سیاسی خود و از جمله رفع ستم ملی از مردم کردستان را خواهد داشت. تضمین پیروزی انقلاب در کردستان

_ چنانچه در شرایط معینی چنین انقلابی اتفاق بیفتد _ جز از طریق یک انقلاب سراسری در ایران قابل تصور نیست. از نیرو ما مدافع حفظ همبستگی و یکپارچگی بخش های مختلف طبقه کارگر ایران هستیم. ما می خواهیم ملت های ساکن ایران بدون هیچگونه تبعیض و تفاوتی با حقوق برابر در یک اتحاد داوطلبانه با همدیگر زندگی کنند.

4_ چنانچه مردم کردستان خواهان ماندن در چهارچوب کشور ایران باشند و بر علیه جدائی رای بدهند در این صورت بایستی برابری کامل حقوق ملت ها و رفع هرگونه تبعیض بر اساس ملیت در همه زمینه ها تضمین گردد و سرانجام تکلیف هر طرحی برای رفع ستم ملی (خودمختاری، فدرالیسم و ...) که از جانب احزاب مختلف ارائه می شود با رای آزادانه مردم کردستان تعیین شود و بدین ترتیب قانونیت پیدا کند.

5_ درباره برنامه کومه له برای خود مختاری کردستان:

کردستان، در گرود پیشبرد هماهنگ مبارزه در همه این عرصه ها است.

تا آنجا که به مسلح ماندن و مبارزه مسلحانه بر می گرد، در شرایط فعلی ایران و منطقه، حفظ ظرفیت ها و توانایی های ما در این زمینه دوچندان مهم تر و حیاتی تر هم شده است.

برای ما مبارزه مسلحانه و حفظ بازوی مسلح در کردستان امروز به طور مستقیم در خدمت اهداف زیر است:

1_ کمک به امر شکل گیری و گسترش جنبش توده ای در کردستان ایران.

2_ حفظ و بهبود توازن قوای سیاسی به منفع جریان رادیکال و کمونیستی در منطقه در برابر رژیم و احزاب سیاسی راست و بورژواپی.

3_ دفاع از موجودیت و فعالیت علنی کومه له در برابر توطئه های بورژوازی محلی و دولت مرکزی.

4_ حفظ و ارتقا ظرفیت فعالیت مسلحانه به طوریکه در شرایط مساعد بتواند سریعاً خود را گسترش داده و در یکسره کردن کار سلطه رژیم در کردستان نقش خود را ایفا کند.

نمی توانست بدون برنامه سیاسی مشخص خود برای پیروزی این جنبش مبارزه کند از این رو ارائه این سند به جنبش توده ای کاری اصولی و ضروری بود در عین حال چنین برنامه ای نمی توانست پلاتفرم همیشگی ما برای رفع ستم ملی از مردم کردستان باشد. امروز در حالی به ارزیابی مجدد این برنامه می پردازیم که اگر چه کماکان مردم کردستان زیر بار ستم ملی مورد آزار و تبعیض و تحقیر قرار دارند اما جنبش توده ای بالفعلی به طور اخص برای کسب خودمختاری در جریان نیست و لذا برنامه پردازی برای آن امروز ضروری نیست.

بخش هفتم

درباره کار نظامی ما موقعیت

کنونی و دورنمای آن

قبلاً گفته ایم که برای ما جبهه های اصلی نبرد در کردستان، جنبش کارگری، جنبش توده ای همگانی و مبارزه مسلحانه هستند و نیز درباره اهمیت حفظ چهره کومه له به عنوان سازمانی سیاسی، دارای بازوی مسلح قبلاً بارها صحبت کرده ایم. امروز نیز نه تنها از اهمیت این تاکیدات ما هیچ کم نشده است بلکه از همیشه روشن تر است که تحقق استراتژی کومه له در جنبش

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

اسلامی در حال جنگ هستیم. مردم کردستان رفراندم جمهوری اسلامی را در بهار سال 1358 یک پارچه تحریم کردند رژیم که در کردستان فاقد هرگونه مشروعیتی بود بر مردم و دست آوردهای انقلاب 57 مسلحانه یورش آورد. فراخوان ما به مقاومت مسلحانه که مورد پشتیبانی توده ای قرار گرفت عکس العمل طبیعی مردم مبارز بود. بدین ترتیب، این جنگ محصول شرایطی است که جمهوری اسلامی بر مردم کردستان تحمیل کرده است تا زمانی که این شرایط باقی است مبارزه مسلحانه هم با رژیم ادامه خواهد داشت. افت و خیزهای این مبارزه به طور کلی و محدودیت های دوره کنونی به طور اخص تنها بر کمیت و اشکال کار ما تاثیر خواهد گذاشت و نفس سیاست ما را در این زمینه به زیر سوال نخواهد برد. تا زمانی که دشمنان ما مسلح اند و بزور سلاح و با اعمال قهر و خشونت حقوق اولیه مردم زحمتکش را پایمال می کنند مسلح باقی خواهیم ماند.

در همین جا بی مناسب نیست که به نکاتی در رابطه با فعالیت نظامی ما در دوره پس از کنگره هفتم کومه له اشاره بکنیم:

محورهای اصلی سیاست نظامی ما پس از کنگره هفتم که در نخستین نشست کمیته

در عین حال سنوآل واقعی این است که از لحاظ عملی و در شرایط فعلی چگونه می توان این ظرفیت ها را حفظ کرد و ارتقا داد؟

این واقعیت آشکار است که مبارزه مسلحانه ما در شکل فعلی آن امروز اساساً به پشت جبهه خود در کردستان عراق متکی است و تا هنگامی که توافقات احزاب کردستان عراق با جمهوری اسلامی در زمینه ممانعت از عبور نیروهای پیشمرگ از مرزها به قوت خود باقی باشد و به طور جدی پیگیری شود، موجودیت مسلحانه ما کارکردهای عملی محدود تری خواهد داشت. با همه اینها وضعیت سیاسی به شدت بی ثباتی منطقه را نشان می دهد که هنوز برای ما فرصت های زیادی در این زمینه وجود دارد که به هیچ وجه نبایستی آن را دست کم گرفت. تضادها و تناقضات سیاسی موجود در منطقه فعالیت ما آنقدر متنوع و بعضاً عمیق هستند که حل و فصل آنها در کوتاه مدت به هیچ وجه محتمل نیستند. در پیش گرفتن یک سیاست واقع بینانه و متین و اصولی می تواند ما را در پشت سرگذاشتن این مرحله بسیار کمک کند. (در این مورد به طور شفاهی توضیحات لازم برای کنگره داده شود.)

تا آنجا که به نفس ادامه مبارزه مسلحانه با رژیم مربوط می شود ما با جمهوری

بخش هشتم

مناسبات با احزاب سیاسی در کردستان ایران

طی دو سال اخیر تماس ها و ملاقات های متعددی با حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکرات کردستان (رهبری انقلابی) صورت گرفته است.

نکات اصلی سیاست ما در این زمینه عبارت بوده است از:

1_ مسئله ملی یکی از مسایل مهم و حل نشده جامعه کردستان است، بقای این ستم گری حزب ناسیونالیست و گرایش ناسیونالیستی را در جامعه کردستان شکل داده است. حزب دمکرات کردستان که استراتژی سیاسی خود را کسب خودمختاری برای کردستان تعریف کرده است، پایگاه اجتماعی و نفوذ سیاسی خود را از بقای این مسئله می گیرد و سال های طولانی است که نماینده اصلی جریان ناسیونالیستی در کردستان ایران می باشد.

کومه له که خواهان از بین بردن ستم ملی و زایل نمودن توهمات وحدت طلبانه ای است که راه را بر رشد مبارزه طبقاتی در کردستان می بندد لازم است که در پروژه

مرکزی پس از کنگره به تصویب رسید عبارت بودند از:

الف_ جذب نیرو و افزایش کمیت واحدهای پیشمرگ، بالا بردن کیفیت کار آموزشگاه پیشمرگایه تی.

ب_ خودداری از اجرای طرح های جنگی سنگین و پیچیده، انجام عملیات های سهل و الصول و سریع، ماموریت های کوتاه مدت هدف این سیاست در این دوره ویژه در درجه اول آموزش و بار آوردن نیروهای جدید و آشنا ساختن آنها با تجارب تا کنونی، آشنا ساختن آنها با تاکتیک ها و عکس العمل های دشمن، ساختن منطقه و ...

ج_ نمایش حضور پیشمرگ کومه له در مناطق مختلف و اعلام تداوم فعالیت های نظامی کومه له بر علیه جمهوری اسلامی، که این مسئله به ویژه به دنبال مباحثات درونی و ترک صحنه مبارزه کردستان از جانب جمعی از فعالان سابق کومه له اهمیت زیادی داشت.

د_ حفاظت از ارگان های علنی مستقر در کردستان عراق و ارتقا آمادگی برای دفاع از آنها در مقابل توطئه های دشمن و حوادث احتمالی.

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

مختلف این مبارزه مربوط می شوند وجود دارد:

_ ارائه پلاتفرم مشترک برای رفع ستم ملی از مردم کردستان

_ همکاری و هماهنگی در زمینه مقابله با طرح ها و نقشه های جنگ رژیم در کردستان، ایجاد ستاد هماهنگی جنگی، همکاری های فنی، تدارکاتی اطلاعاتی.

_ تعیین شرایط و پیش شرط های واحد برای شروع هر نوع گفت و گو احتمالی در آینده با دولت مرکزی در هر مقطع معین.

_ هماهنگی برای تعیین هیئت نمایندگی واحد در چنین گفت و گوهایی...

_ همکاری و هماهنگی در قبال طرح مراجعه با آرا عمومی کردستان...

4_ این سیاست، ضرورت و مطلوبیت آن لازم است برای توده های مردم کردستان توضیح داده شود اما در عین حال بایستی بر نکات زیر نیز تاکید شود:

_ تشکیلات حزب کمونیست ایران در کردستان ابزار کارگران در مبارزه طبقاتی برای سوسیالیسم و آرمان برابری انسان هاست. به این مبارزه متکی است و قبل از هر چیز از این مبارزه نیرو می گیرد و به این معنی تفاوت های سیاسی و عملی کومه له با حزب دمکرات در زمینه مسایل

عملی خود برای رفع ستم ملی نقش ویژه این حزب را به حساب آورد.

2_ حزب دمکرات کردستان ایران و کومه له به عنوان دو جریان سیاسی متعلق به قطب های راست و محافظه کار و چپ و رادیکال جامعه کردستان هر دو هر کدام بر مبنای برنامه سیاسی خود و با روش های مبارزاتی خاص خود برای رفع ستم ملی مبارزه می کنند و علیرغم تفاوت های ما در این زمینه این مسئله می تواند مبنای توافقات و همکاری های معینی باشد.

به منظور کاهش دشواری ها، زیان ها و مصائب ناشی از این مبارزه برای مردم ستمدیده کردستان و به ویژه محدود نمودن امکان توطئه گری های دولت مرکزی در این زمینه لازم است که اشکال این همکاری و هماهنگی بین کومه له و حزب دمکرات روشن شود.

3_ تا آنجا که به رفع ستم ملی بر می گردد اختلافات سیاسی و برنامه ما با حزب دمکرات بنیادی نیست و ما با وقوف کامل به موقعیت مسئولیت های خود در قبال حل عملی مسئله ملی می خواهیم که از قطب شدن جامعه کردستان بر سر این مسئله در آینده جلوگیری کنیم. از نظر ما امکان رسیدن به توافق در موارد زیر که به جنبه های

درباره سایت، استراتژی و تاکتیک های ما در کردستان

کلیه احزاب سیاسی کردستان پافشاری می کنیم.

5_ ارزیابی ما این است که حزب دمکرات تنها در صورتی حاضر به وارد شدن در پروسه این هماهنگی و همکاری معین خواهد شد که:

اولاً؛ فشار جنبش توده ای مسئله را به طور عملی در دستور روز قرار دهد.

ثانیاً؛ توازن قوای واقعی بین چپ و راست جامعه کردستان برایش ملموس تر گردد.

از این رو این سیاست قبل از هر چیز بایستی در میان مردم کردستان تبلیغ شود و اهمیت و مطلوبیت آن در سطح علنی و از طریق ارگان های تبلیغی حزب توضیح داده شود.

اجتماعی جامعه کردستان بجز مسئله ملی تفاوت های طبقاتی و عمیقی هستند. ما بر حفظ صف مستقل سیاسی و تشکیلاتی کارگران در کردستان در همه زمینه ها پافشاری می کنیم.

_ در گذشته و در سال های نخست، حاکمیت جمهوری اسلامی نمونه مثبتی از اجرای سیاست همکاری با حزب دمکرات در قبال مسئله ملی به دست داده شد. پشت کردن به این سیاست در آن هنگام و شکل نگرفتن همکاری با حزب دمکرات در دوره های بعد اساساً به دلیل استنکاف این حزب از پذیرش این سیاست بوده است.

پذیرش اصل آزادی های بدون قید و شرط سیاسی و احترام به حقوق مردم زحمتکش در کردستان التزام عملی به پایمال نکردن آن از جانب احزاب سیاسی فعال در کردستان زمینه ها و امکان رودرویی های مسلحانه بین احزاب سیاسی را از بین خواهد برد و راه را برای شکل گیری یک جامعه مدنی و مبارزه ای متمدنانه سیاسی هموار خواهد کرد. برای اجتناب از تکرار تجربیات تلخی که در گذشته در اثر پایمال شدن این حقوق و آزادی ها اتفاق افتاده اند و ضربات سختی که در نتیجه آن بر جنبش حق طلبانه مردم وارد آمده است، ما بر اعلام رسمی پذیرش این اصول از جانب

